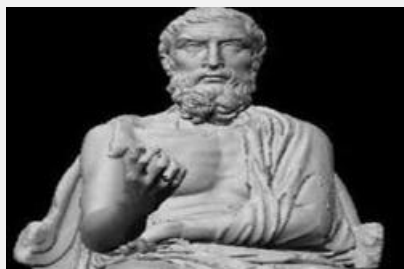


مکتب اخلاقی اپیکور؛ اخلاق مبتنی بر لذت‌گرایی

مطابق اخلاق اپیکوری، نباید بدنبال هر خوشی و لذتی بود و یا تسکین هر دردی را خواست.



سیری در مکاتب اخلاقی غرب/

مکتب اخلاقی اپیکور؛ اخلاق مبتنی بر لذت‌گرایی

خبرگزاری مهر- مطابق اخلاق اپیکوری، نباید بدنبال هر خوشی و لذتی بود و یا تسکین هر دردی را خواست. باید از خوشی‌های دون و پست چشم پوشید تا به خوشی‌های برتر دست یافت. اپیکوریان، پیروان اپیکوروس از فیلسوفان یونان باستان به شمار می‌روند. پس از اپیکور، بنیانگذار این حوزه، جانشینش هرمارخوس، رئیس این حوزه فلسفی گردید. جانشین او نیز، شخصی به نام پولوستراتوس بود. پولیانوس، متروودوروس و سیسرون و فدروس از دیگر اندیشمندان این مکتب بوده‌اند، اما معروفترین شاگرد این حوزه شاعر لاتینی ب. لوکرتیوس کاروس بود که فلسفه اپیکوری را در شعر خود درباره طبیعت اشیاء بیان نمود.

فلسفه اپیکور تا اندازه بسیار زیادی از اندیشه‌های فلسفی و طبیعت‌شناختی دموکریتوس اقتباس شده است، تا آنجا که امیل بریه تاریخ‌نگار شهیر فلسفه، معتقد است که اساساً هدف اپیکور این بوده که اعتبار طبیعیات دموکریتوس را تجدید کند و از همین راه، آرای قدیم حکمای ایونیا را که می‌رفت راه زوال پیموده و ناپدید شده باشد، علی‌الخصوص اعتقاد به کثرت جهان و عدم تناهی ماده آن را، از نو به میان آورد.

اپیکور در نظریه اخلاقی خود، در حقیقت، نظریه طبیعی دموکریتوس را با اخلاق سقراطی شاخه کورنایی متحد ساخت. مکتب کورنایی، متعلق به آریستیپوس کورنایی است که مکتب لذت‌گرایی حسی است. اپیکور برخلاف آریستیپوس، کوشیده است تقریری عمیقتر و دقیقتر از لذت‌گرایی (Hedonism) ارائه دهد.

اصول نظریه اخلاق اپیکور در پنج اصل زیر خلاصه می‌شود:

(1) لذت عبارت است از فقدان الم؛

(2) لذت روحی، به دلیل دوام بیشتر، بر لذت جسمانی ترجیح دارد؛

(3) ارزیابی عقلانی لذتها و المها به ما این امکان را می‌دهد که از یک زندگی برخوردار شویم که لذت بادوام آن، بیشتر از درد موقت آن باشد؛

(4) انسان تنها باید امیال ضروری و طبیعی خود را ارضاء نماید؛

(5) هر چند لذت، تنها خیر ذاتی است، امور دیگر از قبیل سعادت، مصلحت‌اندیشی و امثال آن را می‌توان دارای خیر ابزاری و مقدمی دانست.

اپیکور و پیروانش معمولاً به عنوان انسانهایی خوشگذران و لابلالی معرفی شده‌اند تا آنجا که حتی امروزه اروپاییان، از عیاشی و خوشگذرانی، با عنوان زندگی اپیکوری یاد می‌کنند. اما این تلقی از اندیشه اخلاقی اپیکور و پیروانش غیرواقعی است، جالب است که این برداشت ناصواب، در زمان خود اپیکور نیز وجود داشته است، از این رو، وی به صراحت اعلام می‌دارد: «آن گاه که ما لذت را غایت می‌نامیم، مقصودمان لذتی نیست که از هرزگی و کامجویی حاصل می‌شود.« آن گاه، در توضیح لذت مورد نظرش می‌گوید: «هدف زندگی لذت است، اما نه لذت مردان فاجر و عیاشان، چنان که برخی که از مسلک ما آگاهی ندارند یا نمی‌خواهند آن را درک کنند، می‌پندارند، بلکه آن چنان لذتی که موجب رنجوری جسم و آشفته‌گی روان نشود.«

حال این سؤال مطرح می‌شود که وقتی اپیکور، لذت را غایت زندگی می‌داند، مقصود او از لذت چیست. «دو امر را باید مورد توجه قرار داد: نخست این که، منظور او، لذات آنی و احساسات فردی نیست، بلکه لذتی است که در سراسر یک عمر، دوام دارد، و دوم این که، لذت برای اپیکور بیشتر عبارت است از غیبت و فقدان الم تا کامیابی مثبت.«

اپیکور در وصف اخلاق مبتنی بر لذت چنین آورده است:

«#؛ آنچه زندگی را دل انگیز می‌کند، شرابخواری یا زنجاری یا خوان رنگین توانگران نیست، بلکه فکری مقرون به قناعت است که علل هر شوق و هر نفرتی را با آن توان دریافت و آرایی را که موجب اضطراب نفوس باشد، از سر به در کرد.«

مطابق اخلاق اپیکوری، نباید بدنبال هر خوشی و لذتی بود و یا تسکین هر دردی را خواست. باید از خوشی های دون و پست چشم پوشید تا به خوشی های برتر دست یافت.

خوشی های روحی، بالاترین خوشی ها هستند. خردمند برای رسیدن به مرحله بی غمی یا آرامش باید خود را از گرفتاری های سیاسی و اجتماعی دور نگه دارد. حکومت فقط مسئول امنیت جامعه و تامین عدالت است. مردم عادی را باید با تنبیه و مجازات رهبری نمود. دوستی، عشق به هم نوعان و مهربانی نسبت به زیردستان در سر لوحه این مکتب فکری نگاشته شده است.